

■ سال بیست‌وهفتم ■ شماره ۱۳۷۶ ■ دوشنبه ■ ۶ اردیبهشت ۱۴۰۰

تلفن: ۰۸۷۶۱۷۴۰۰ <p>پایگاه: ۰۴۵۱۲۱۳ / ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸ صندوق پستی: ۰۳۳۸۸-۵۳۸۷۵ / ۱۵۸۷۵-۵۳۳۸۸ امور مستقیمین: ۰۸۷۴۸۸۰۰</p> چاپ: شرکت چاپ جام‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه جام‌چم پرنتر برنا	<p>سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: درانده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱) انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲۰ http://irannewspaper.ir</p>
اذان ظهر ۱۳:۰۴ اذان مغرب ۲۰:۰۶ نیمه شب شرعی ۰۱:۰۶ اذان صبح فردا ۴:۴۶ طلوع آفتاب فردا ۶:۱۷	

امام‌رضاع (ع:مسلمان کسی است که مردم از دست و زبان او آسوده باشند و از ما نیست آنکه همسایه‌اش از شَر او در امان باشد.	
<div>سخن روز</div>	

عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۴	
--	--



#کرونا۱_هندی

کرونا۱ هندی و اتفاقی که با شیوع نوع جهش یافته کرونا در هند می‌افتد سوزِه بحث‌ها و نوشته‌های بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی است. عکس‌های زیادی از سوزاندن اجساد قربانیان کرونا در هند بازنشر می‌کنند و از شرایطی که ممکن است دنیا و البته ایران منتظرش باشد می‌ترسند: «هند با جمعیت یک میلیارد و ۳۵۰ میلیونی استعداد اینو داره راحه ۳۵ میلیون کشته بده.»، «حالا اگه به عکس از جسدسوزی هند نذارِ و ننویسی عجب تصویر آخرالزمانی‌ای منه خودم قول میدم از این مرحله هم با امتیاز خوب عبور کنی»



«بعد از کرونا با صدها کودک مواجهیم که پدر یا مادرشان را بر اثر کرونا از دست داده‌اند، با زنان و مردان عاشقی که کرونا همسرشان را ازشان گرفته. بعد از کرونا ملت ما یه سوگواری جمعی و یه ترابی جمعی احتیاج دارند.»، «الان خودمم کرونا۱ هندی از نوع انگلیسی و برزیلی هم وحشتناکتره، سال دیگه این موقع زنده‌ایم آیا؟ با این وضعیت، کی فکرشو می‌کرد که اینقدر الکی کلیمون بمیریم؟ کاش حداقل امید داشتیم که واکنسینه میشیم.»، «کرونا۱ هندی هم اگر مثل برنجشون باشه خوب قد می‌کشه.»، «کرونا۱ هندی هم مثل بازیگرهای فیلم‌هاشونه. می‌پره هوا همزمان ۵۰۰ نفر رو مبتلا می‌کنه و ۴۰۰ نفر

پرتاب هیجان انگیز

بازی مهیج بسکتبال بین تیم‌های مِهرام تهران و شهرداری گرگان همه را سر ذوق آورد. بخصوص با پرتاب عجیب و غریب پری پتی بازیکن شهرداری گرگان که باعث شد نتیجه بازی تغییر کند و شهرداری گرگان قهرمان بسکتبال ایران شود. خیلی‌ها با شوق و ذوق از این چند ثانیه و پرتابی که به آن «بازر بستر» می‌گویند نوشتند و از علاقه مردم گرگان به بسکتبال گفتند: «این شما و این هم جذاب‌ترین یک ثانیه دو دقیقه‌ای تاریخ بسکتبال ایران.»، «این بازی قشنگ مهرام و شهرداری گرگان، این ضربه «دست خدا» پری پتی با گزارش عالی آیدین مقیمی بعد سال‌ها بعد رمونتاداتاریخی بارسا-پاریس در ۲۰۱۷ با گزارش عادل، بهترین مسابقه ورزشی بود که دیدم. اگه این توییت رو میبینی آقا آیدین مقیمی جدا دمت گرم. گاهی فوتبال هم گزارش کن.»، «شهرداری گرگان برای اولین بار قهرمان لیگ بسکتبال ایران شد. گرگان خیلی حق بر گردن بسکتبال داره، خیلی.»، «الکی الکی توی فینال بسکتبال، طرفدار شهرداری گرگان شدم. جدی جدی قهرمان شد.»، «بازی روز زنده نگاه می‌کردم و یابید بگم در تمامی زندگیم چنین

سیدعلی صالحی: مشغول بازسازی «عهد جدید» هستم

از آغاز دوره کرونا و بعد از ابتلا به این بیماری در روزهای نخست اپیدمی، به دلیل بیماری‌های زمینه‌ای در قرنطینه خودخواسته بسر می‌برم؛ فعلاً سر حوصله مشغول نمونه‌خوانی و غلط‌گیری کتاب مقدس (عهد عتیق) هستم که بازسازی آن را در حوالی چهل سالگی شروع کرده و بعد از پنجاه و پنج سالگی به گمانم تمام کردم. هم‌اکنون حروف چینی این کتاب شروع شده است. مدت‌هاست واز دوره «پیشکارونا» مشغول بازسازی عهد جدید (دقتر نهایی) کتاب مقدس هستم؛ از میان انجیل مشابه، انجیل کامل «یوحنا» را برگزیده‌ام؛ زیبا، خواندنی و غرق در پرتاب‌های ذهنی و مشکوفات شاعرانه است.

گفته‌های این شاعر، نویسنده پیشگسوت و نظریه پرداز ادبی با ایستا

چندی پیش به‌همراه یکی از بازیگران خوب

تئاتر، احمد ساعتچیان نمایشنامه‌خوانی زنده در بستر اینترنت داشتیم که کار کوتاهی بود از ویسنتی یک و البته چند نمایشنامه‌خوانی محدود دیگر نیز از برخی دوستان در محیط‌هایی مثل اینستاگرام دیدم که البته می‌شد این تعداد بیش از چیزی باشد که شاهد بودیم، اما در این زمینه چالش‌هایی وجود داشته و دارد.

شاید یکی از دلایل کم اتفاق افتادن‌اش این بود که هنرمندان باید دور هم جمع می‌شدند و تمرین می‌کردند و اگرچه چنین تمرینی در مقابل تمرین برای اجرای صحنه‌ای تئاتر ساده‌تر است اما دوستان با ریسک چنین مسأله‌ای آن‌هم در این شرایط کرونایی موافق نبودند و به این فکر می‌کردند که این خطر برای گروه اجرایی که حداقل باید چند جلسه دور هم جمع شوند وجود دارد. در همه چیز مسأله اقتصاد تعیین‌کننده است. به‌عقیده من تجربه انتشار فیلم‌تئاترها نشان داد که آنچنان استقبالی از این آثار نشد و همین باعث شد گروه‌ها ترغیب نشوند که

بیایند در کنار فیلم‌تئاتر، نمایشنامه‌خوانی را هم وارد این پروسه کنند و امیدوار باشند که مردم هزینه را پرداخت کنند. در فرانسه اتفاقی افتاد که برای من جالب بود. بازیگران و هنرمندان فرانسوی، با پولی که از دولت به‌عنوان حمایت در دوران بیکاری گرفته بودند چنین کاری انجام دادند و به‌جای اینکه بیایند جشنواره برگزار کنند آن‌هم وقتی اجرای عمومی تعطیل است، بودجه را در قالب بودجه حمایتی، به گروه‌ها و هنرمندان و اهالی تئاتر از طریق بسته‌های پیشنهادی اختصاص دادند مبنی بر اینکه پژوهش،

بازیگران و هنرمندان فرانسوی، با پولی که از دولت به‌عنوان حمایت در دوران بیکاری گرفته بودند چنین کاری انجام دادند و به‌جای اینکه بیایند جشنواره برگزار کنند آن‌هم وقتی اجرای عمومی تعطیل است، بودجه را در قالب بودجه حمایتی، به گروه‌ها و هنرمندان و اهالی تئاتر از طریق بسته‌های پیشنهادی اختصاص دادند مبنی بر اینکه پژوهش،

تصویر پانورامایی از جهان

دیدن یک حس طبیعی است که بسیاری از بچه‌ها از این حس برخوردارند، اما نگاه کردن آن چیزی است که علاوه بر دیدن اتفاق می‌افتد، آن اتفاقی که روابط و تناسب‌ها، درک و عمق و تفکر را به همراه دارد. بچه‌ها می‌بینند. دنیای اطراف را، اتفاقات پیرامون را، اما درک نیست‌ها، آشنایی ولذت بردن از دیدن با نگاه کردن اتفاق می‌افتد؛ برای ساخت یک تصویر درک و لذت از آن، لازم است درست دیدن و خوب دیدن اتفاق بیفتد. این نگاه کردن است که به مرور زمان امکان تجزیه و تحلیل، تخیل، درک مفاهیم و احساس را فراهم می‌کند؛ در این حالت این چشم نیست که می‌بیند و فقط قوه بینایی به‌عنوان یک حس نیست، چشم ذهن است که فعال می‌شود و قدرت تمیز دادن را فراهم می‌کند؛ هر چه کودک در دوران کودکی بهتر نگاه کردن را فرا گرفته باشد، تصاویر بهتری دیده باشد و قدرت درک مفاهیم را بیشتر تجربه کرده باشد نگاهی دقیق‌تر و بهتری خواهد داشت؛ یکی از راه‌های تقویت نگاه کودکان دیدن کتاب‌های تصویری مناسب است؛ کتاب‌هایی که فقط تصاویر صرف نباشند و با جزئیات و هدف درست نویسنده و تصویرگر، تصاویر در کنار هم قرار داده شده باشند و کودک در جست‌وجوی تصاویر متن را کامل کند؛بچه چیزی فراتر از متن برسد و با ذهن کرده چرخد چرخ جهان داستان را کامل کند. یکی از کتاب‌های خوبی که نه تنها برای کودکان که قطعاً برای بزرگسالان هم جذابیت خواهد داشت کتاب «چشم‌انداز جهان» است که نشان نقره لاک‌پشت پرنده را در نیمین دوره جایزه کتاب سال لاک‌پشت پرنده دریافت کرده است. این کتاب به قلم و تصویرگری فانی مارسلو جولی ژولیت با برگردان محمد ناصر مودودی توسط نشر دیپایه منتشر شده است.

این کتاب آکاردوئی و تصویری ما را به سفری به سراسر دنیا دعوت می‌کند؛ در این کتاب علاوه بر لذت دیدن تصاویر و هماهنگی زیبای متن و تصویر با اقلیم‌های مختلف آشنای شومیم؛ شکل آکاردوئی کتاب باعث به هم پیوستگی تصاویر شده است و ما با دو موقعیت روز و شب و دید متفاوت تصاویر روبه‌رو هستیم؛هر صفحه به طبیعت یک کشور پرداخته و با باز شدن کل صفحات با یک پانورامای جهان مواجه خواهیم بود. کتاب در ظاهر داستانی ندارد و ما با تصاویری روبه‌رو هستیم از اقلیم‌های گوناگون، اما کنار هم قرار گرفتن اقلیم‌ها و جانورانش خود داستان دیگری می‌شود برای آشنایی، داستانی که می‌توانیم آن را جهان بنامیم؛ جایی برای زیستن همه ما در کنار هم. آن وقت می‌شود داستان پیچیده و زیبایی که هر یک از ما آن را می‌توانیم به گونه‌ای خاص با درک خودمان از هستی و تجربیات و نگاه خودمان بخوانیم. این پیچیدگی و زیبایی حاصل همان شگردی است که در این کتاب به کار گرفته شده، شگردی نو و بداند جزئی از مخاطب، تا کشف کند و به جست‌وجو و مقایسه بپردازد و بداند جزئی از یک کل بزرگ است. از یک طرف کتاب که شروع کنی داستان یک روز را به پایان رسانده‌ای و با چرخشی به داستان شب می‌رسی و حالا امکان مقایسه جهان روز و شب هم فراهم می‌شود. لذت دیدن جهان در یک کتاب را به همراه کودکانتان تجربه کنید؛ درباره آنچه دیده‌اید حرف بزنید و خوب نگاه کنید. حالا فرصت کشف داریم در جهانی که متعلق به همه ماست.



و نسان و تنگوك چهره شاخص حراجي‌های هنري است و این بار قرار است تابلویی که یک سال پیش از خود کشی کشیده بود در حراجی هنر قرن بیستم کریستین نیویورک به فروش گذاشته شود. این نقاشی ۱۳۳ ساله «پل ترنتی» نام دارد و پس از مرگ ونگوگ به بیوه برادرش تئو رسید و نزدیک دودهه پیش در حراجی کریستین نیویورک در نوامبر ۲۰۰۴ حدود ۱۱ میلیون دلار (یک میلیون دلار کمتر از برآوردها) چش خور. «پل ترنتی» آخرین بار در موزه موش اسلو پانینخ تروز هم‌راه دیگر آثار ونگوگ و ادوارد موش به نمایش درآید و به قول روان‌پزشک‌ه رادامه به موزه ونگوگ در آمستردام هم رفت. حالا قرار است این تابلو در ماه مه دوباره به حراجی کریستین بیلبود با رقم ۲۵ تا ۳۵ میلیون دلار فروخته شود.

رمانی برای این روزها

نیازی به بازگویی شرایط این روزها نیست، همه کم‌حوصله شده‌ایم و بیم ابتلا به بیماری کرونا هم بر نگرانی‌ها و مشکلاتمان افزوده است. بحث صحبت از مشکلات نیست که هر یک به طریقی گرفتار آنها هستیم، بحث بر سر این است که چگونه در برابر دشواری‌ها تاب بیاوریم. در این بین مطالعه کتاب می‌تواند مؤثر باشد، البته آثار مناسب این شرایط که به گمانم رمان «دردسرساز» پیشنهاد خوبی باشد. این نوشته «میکائلسن» درباره پسر پانزده‌ساله‌ای، باروچیه‌ای پرخاشگر است که اهل دزدی نیز هست. او گرفتار جرمی به‌مراتب سنگین‌تر از گذشته‌اش شده است. سر بچه‌ای را به پیدار و کوبیده و حالا پسر سخت مجازات شده. به او حق انتخاب می‌دهند! «ماتیوز» حالا باید بین زندان و رأی دایره دادرسی سرخ‌پوستان آمریکایی را انتخاب کند. بنابر انتخاب خود باید با مدتی پشت میله‌های زندان جا خوش کند یا اینکه یک سال، در جزیره‌ای پرت، جدا از دیگران زندگی کند؛ انتخاب احتمالی «ماتیوز» دور از تصور نیست! و دایره دادرسی را انتخاب می‌کند. اما... چرا تأکید دارم این کتاب مناسب حال این روزهایمان است؟ اغلب نوجوانانی که گرفتار زندان شده‌اند و حتی بزرگسالان زندانی، بویژه در میان مردان ویژگی مشترکی دارند. آنان برای لحظه‌ای گرفتار خشم شده‌اند و حالا باید تبعات آن را محتمل شوند. نویسنده این کتاب به شکلی غیرمستقیم و دور از هرگونه شعارزدگی مخاطب را متوجه این مسأله می‌کند که باید در مواجهه با عصبانیت رفتاری عقلانی‌تر نشان بدهد. قبل از ترجمه این کتاب، همچون روایی که درباره سایر ترجمه‌ها در پیش می‌گیرم آن را بارها خواندم. درنهایت آن قدر آن را داستانی قوی، برخوردار از زمینه روان‌شناختی و حتی جامعه‌شناختی یافته‌م که تصمیم به ترجمه‌اش گرفتم. کتاب برای گروه سنی راهنمایی و دبیرستان نوشته شده، با این حال مطالعه آن را به همه والدین و از سویی بزرگسالان توصیه می‌کنم. در روانشناسی میجنی با عنوان «هوش هیجانی» است؛ بر آن اساس کسی نمی‌گوید که نباید عصبانی شد و نباید سوگواری کرد، بلکه صحبت درباره آن است که چگونه می‌توان با خشم کنار آمد و از طرفی به خود یا دیگران آسیب نزد. رمان «دردسرساز» افزون بر حس خوبی که در خواننده ایجاد می‌کند این درس بزرگ را هم برای تکتک مخاطبانی که به سراغ آن برنود به ارمان می‌آورد. جامعه کم‌حوصله امروزان برای یادگیری کم‌کاری‌ها در آموزش‌های این‌چنینی می‌تواند به کمک مطالعه تا حدی یاد بگیرد و در آید و روانشناسان: «احساسی فکر کند اما منطقی تصمیم بگیرد.» و این پیام رمان «دردسرساز» است که چاپ تازه‌اش همین روزها با همراهی نشر «چشمه» در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

■ **دردسرساز**

■ **نویسنده: بن میکائلسن**

■ **ترجمه: پروین علی پور**

■ **نشر چشمه**

دعای روز سیزدهم

ماه مبارک رمضان

اللّهُمَّ طَهِّرْني فِيهِ مِنَ الذَّنسِ وَ الْاَفْذَارِ وَ صَبِّرْني فِيهِ عَلَي كَائِنَاتِ الْاَقْدَارِ وَ وَفِّقْني فِيهِ لِبَلَّتَعَي وَ صُحْبَةِ الْاَنْبِيَارِ بِعَوْنِكَ يَا قَرَّةَ عَيْنِ الْمُسْلِمِينَ

خدایا مرا در این ماه از آلودگی ها و ناپاکی ها پاک کن، و بر شدنی های مورد تقدیرت شکیبایم گردان، و به پرهیزگاری و همنشینی با نیکان توقیفم ده، به برایت ای نور چشم درماندگان.

روز سیزدهم ماه رمضان

ای داناتر از هر دانا!

ای کاش آنگونه که با پیامبرت حرف می‌زدی با من هم سخن می‌گفتی؛ هرچند می‌دانم بارها و بارها با من گفت‌وگو کرده‌ای. با تلاوت آیات رحمانی؛ با خروش چشمه‌ها و رودخانه‌ها؛ با ایستادگی کوه‌ها و درخت‌ها؛ با عظمت آسمان‌ها و کهکشان‌ها؛ با آوازهای پرندگان؛ با زبان خاموش گل‌ها و پروانه‌ها، با چشم‌های بر حرف آفتابگردان‌ها و نگاه گرم و صمیمانه ماه، آن زمانی که جهان به چشمم سیاه بود.

ای خدای حضرت موسی!

در ایستگاه سیزدهم میهمانی رمضان؛ از تو می‌خواهم موسی را بفرستی تا از نیل قلبم بگذرد و فرعون نفسم را غرق کند. همین!

یاد پروردگار

روح عبادت، یاد پروردگار است؛ یعنی وقتی انسان نمازی می‌خواند، دعایی می‌کند و هر عملی که انجام می‌دهد، دلش به یاد خدای خودش زنده باشد. قرآن می‌گوید: اَقِمِ الصَّلَاةَ لَذِكْرِي؛ نماز را بپا بدار، برای چه؟ برای اینکه به یاد من باشی. در جای دیگری می‌فرماید: اِنْ الصَّلَاةَ تَنْهِيَ عَنِ الْفَحْشَاءِ

و المنکر و لَذِكْرَاللّهِ اکْبَرُ». در این آیه خاصیت نماز ذکر می‌شود؛ البته نماز نهایی، نمازی که با شرایط و آداب صحیح صورت گرفته باشد. می‌فرماید اگر واقعاً انسان نمازخوان باشد و نماز درست بخواند، خود نماز جلوی انسان را از کار زشت و منکر می‌گیرد. محال است که انسان نماز درست و مقبول بخواند و دروغگو باشد یا دلش به طرف غیبت کردن برود یا دنبال فحشا و هر کار زشت دیگری برود. این خاصیت نماز است که انسان را به سوی عالم نورانیت می‌کشاند.

حالا درباره اینکه چگونه دل انسان برای یاد خدا نرم و خاضع می‌شود، داستانی برایتان نقل می‌کنم. مردی است به نام فضیل بن عیاض که دورانی از عمر خودش را به فسق و فجور و دزدی به سر برده است. شبی برای دزدی از دیوار خانهای بالا رفت. همین که به بالای دیوار رسید، این آیه قرآن را از عاید شب زنده‌داری که در آن دل شب مشغول خواندن قرآن بود شنید: «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ و ما نزل من الحقّ؟»، یعنی آیا نرسیده است آن وقتی که دل مردم با ایمان نرم بشود برای پذیرش یاد خدا؟ آن مرد عابد، این آیه را آنچنان خواند که فضیل که بالای دیوار بود برایش چنین تجسم پیدا کرد: این خداست که این بنده‌اش فضیل را مخاطب قرار داده و می‌گوید: فضیل! دزدی و غارتگری و چپاول تا کی؟ تا آیه را شنید، تکانی خورد و گفت: خدایا، همین الان وقتش است و همان جا از دیوار پایین آمد و توبه‌ای کرد توبه نصح، توبه‌ای که این مرد را در ردیف عابدان درجه اول قرار داد. کارش ذکر زهد و عبادت به جایی رسید که تمام مردم در مقابل او خاضع بودند.

حال می‌خواهم بگویم مخاطب آیه‌ای که فضیل شنید، ما هم هستیم.

خدا دارد به ما می‌گوید: ای بنده من، ای مسلمان! کی می‌خواهد این دل تو برای یاد خدا نرم و خاضع و خاشع بشود؟ کی خبری تا کی؟ خوابیدن تا کی؟ حرام‌خواری، دروغ‌گویی، غیبت کردن و... تا کی؟ به خدا قسم یک ساعتش یک ساعت است. تگوییبد فردا شب، یکی از لیلی‌ای قدر است و برای توبه بهتر است. نه، همین ساعت از یک ساعت بعد بهتر است. عبادت بدون توبه قبول نیست. ما توبه نمی‌کنیم و روزه می‌گیریم؛ توبه نمی‌کنیم و نماز می‌خوانیم! توبه نمی‌کنیم و قرآن می‌خوانیم و در مجالس ذکر شرکت می‌کنیم؛ به خدا قسم اگر شما یک توبه بکنید تا پاک بشوید و بعد یک شبانه‌روز با حالت توبه و پاکی نماز بخوانید، همان یک شبانه‌روز به اندازه ده سال شما را جلو می‌برد و به مقام قرب پروردگار می‌رساند.

■ **منبع**

■ **آزادی معنوی، ص ۴۱-۴۴، ۱۲۴-۱۲۵.**

■ **پی‌نوشت‌ها**

۱. ۱۴/۰۱/۱۴.

۲. عنبکوت ۴۵.

۳. حدید ۱۶.

۴. کتاب «مصباح الشریعه» مجموعه پاسخ‌های امام صادق (ع) به پرسش‌های فضیل است که در آن، مطالب سطح بالایی از جمله اسرار و وضو اسرار نماز از زبان امام بیان شده است.